326070 ـ حکم قطع نماز هنگام زلزله یا آتش‌سوزی و حکم کسی که بر اثر عدم قطع نماز مرده است.

سوال

حکم کسی که در اثنای نمازش حادثه‌ای رخ دهد اما نمازش را قطع نکند چیست؟ مثال: اگر در اثنای نماز در مسجد زلزله‌ای رخ دهد و مردم فرار کنند اما برخی از مردم در نماز بمانند و امام نمازش را قطع نکند و سقف مسجد بر آنان بیفتد و همه کشته شوند. آیا کسانی که به سبب عدم ترک نماز در هنگام زلزله جان باخته‌اند شهید به شمار می‌آیند یا خودکشی کرده‌اند؟

خلاصه‌ی پاسخ

برای کسی که ترس از کشته شدن خودش یا بی‌گناه دیگری دارد و می‌تواند او را نجات دهد جایز نیست که به نمازش ادامه دهد و اگر ادامه دهد گناهکار می‌شود و اگر بمیرد یا آسیبی به او برسد خودش را به هلاکت انداخته است.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

کسی که در هنگام نمازش حادثه‌ای مانند زلزله یا آتش‌سوزی رخ دهد و گمان غالبش این بود که زیانی به وی خواهد رسید و اگر نمازش را قطع کند نجات می‌یابد، لازم است که از آن‌جا بگریزد و در پی نجات خود باشد، سپس برحسب آن نمازش را تمام کند یا قطع کند و جایز نیست که با وجود گمان هلاکت آن‌جا بماند و گرنه خودش را به هلاکت انداخته، همچنین برای نجات دیگری از هلاکتی مانند غرق شدن یا سوختن یا افتادن در چاه، باید نمازش را قطع کند.

اصل در این مورد، سخن الله تعالی است که می‌فرماید:

وَلاَ تُلْقُواْ بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ [بقره: ۱۹۵]

(و خود را با دست خود به هلاکت میفکنید)

و این سخن پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ که: «نه [به خود] زیان بزنید و نه [به دیگران] زیان برسانید» به روایت احمد و ابن ماجه (۲۳۴۱) و آلبانی در «صحیح ابن ماجه» آن را صحیح دانسته است.

در «کشاف القناع» (۱/ ۳۸۰) آمده است: «واجب است که کافر معصوم» به سبب پیمان یا صلح یا امان نامه را «از چاه و مانند آن» همچون ماری که قصد او را دارد «همانند» محافظت از «مسلمان» از آن [خطر] دور کرد زیرا هر دو در

عصمت یکسانند. «و» باید «غریق و مانند او را» مانند آتش‌سوزی «نجات داد و برای آن باید نمازش را قطع کند» چه آن نماز فرض باشد یا نفل و ظاهرا حتی اگر وقت نماز کم باشد [و در صورت نجات شخص وقت نماز به پایان برسد] زیرا می‌توان آن را با قضایش جبران کرد به خلاف غریق و مانند او [که اگر دیر شود جانش را از دست می‌دهد و قابل جبران نیست] «پس اگر نخواست قطعش کند» یعنی نخواست نمازش را برای نجات یک غریق یا مانند آن قطع کند: گناهکار می‌شود و نمازش [درست است] مانند نماز خواندن با عمامهٔ حریر».

ابن رجب حنبلی ـ رحمه الله ـ می‌گوید: «قتاده می‌گوید: اگر لباسش را دزدیدند، در پی دزد می‌رود و نمازش را رها می‌کند.

و عبدالرزاق در کتابش از معمر از حسن و قتاده دربارهٔ مردی روایت کرده که در حال نماز است و ترسید که حیوان سواری‌اش برود یا حیوانات وحشی به او حمله کنند، چه کار کند؟ گفتند: نمازش را رها می‌کند.

و از معمر از قتاده روایت است که از او پرسیدم: مردی در حال نماز است و ببیند که کودکی کنار چاه است و بترسد که در آن بیفتد، آیا نمازش را قطع کند؟

گفت: بله.

گفتم: سارقی را ببیند که می‌خواهد کفش‌هایش را بردارد؟ گفت: نمازش را ترک کند.

و مذهب سفیان این است که اگر شخص در حال نماز باشد و چیزی را در حال خطر ببیند به سوی آن برود. این را معارفی از او روایت کرده است.

همین‌طور اگر حیواناتش یا سواری‌اش را در خطر سیل ببیند.

مذهب مالک چنین است که هرکس در حال نماز بود و حیوان سواری‌اش رفت اگر نزدیک بود [در حال نماز] به سویش می‌رود، اگر روبرو یا سمت راست یا چپش بود، اما اگر دور بود در پی آن می‌رود و نمازش را قطع می‌کند.

مذهب اصحاب ما (حنبلیان) این است که اگر غریقی دید یا کسی را در آتش دید یا دو کودک را دید که در حال زدن یکدیگرند و ماند آن و می‌تواند خطر را دفع کند نمازش را قطع می‌کند و آن خطر را دفع می‌کند.

برخی این کار را محدود به نماز نافله دانسته‌اند اما قول صحیح آن است که شامل نماز فرض و غیر آن می‌شود.

احمد دربارهٔ کسی که از بدهکارش تقاضای پولش را دارد و سپس به نماز می‌ایستند و ناگهان بدهکار می‌گریزد چنین می‌گوید: در پی او خارج می‌شود [و نمازش را قطع می‌کند].

احمد همچنین می‌گوید: اگر کودکی را دید که در چاه می‌افتد نمازش را قطع می‌کند و او را می‌گیرد.

برخی از اصحاب ما (حنبلیان) گفته‌اند: نمازش را در صورتی قطع می‌کند که برای گرفتن کودک نیاز به حرکت بسیار داشته باشد، اما اگر حرکتی اندک لازم بود نمازش را باطل نمی‌کند (مانند آن‌که کودک در نزدیکی او بود و توانست در حال نماز او را بگیرد).

ابوبکر نیز همین را دربارۀ کسی می‌گوید که در پی بدهکارش رفته است که باز می‌گردد و نمازش را ادامه می‌دهد.

قاضی این را حمل بر حالتی کرده که حرکاتش کم بوده است.

و این را نیز می‌توان محتمل دانست که بگوییم: او نسبت به مالش ترس داشته بنابراین کارش بخشیده می‌شود اگرچه حرکاتش [در رفتن در پی بدهکار در هنگامی نماز] بسیار بوده باشد» (فتح الباری ابن رجب: ۹/ ۳۳۶ ـ ۳۳۷).

خلاصه آن‌که:

برای کسی که نسبت به جان خودش یا جان یک انسان بی‌گناه دیگر که می‌تواند نجاتش دهد احساس خطر می‌کند جایز نیست که به نمازش ادامه دهد و اگر ادامه دهد گناهکار می‌شود و اگر مرد یا آسیب بدید خودش را به هلاکت انداخته است.

والله اعلم